بسم الله الرحمن الرحیم

«مبانی قرآنی و روایی تعلیم فرزندان»

فاطمه نقوی[1]

چکیده

تعلیم و تربیت یکی از مهمترین دغدغه های جوامع بشری است. ما به عنوان یک مسلمان نیز باید بدانیم آیا تعلیم و تربیت فرزندان بر پدر و مادر لازم است یا خیر؟ از این رو در این مقاله تلاش کرده‌ایم با بررسی آیات و روایاتی که درباره تعلیم و تربیت و ضرورت و اهمیت آن وجود دارد، به اهمیت این موضوع پی ببریم. به همین خاطر مبانی قرآنی و روایی تعلیم فرزندان را جمع آوری کرده و در پایان بحث متولی تعلیم را مطرح کرده ایم تا مشخص شود آیا خانواده متولی اصلی آموزش و پرورش کودکان است یا خانواده و یا هر دو؟ امتیاز این مقاله آن است که در کنار مبانی قرآنی و روایی این مسأله، به نظرات حقوقدانان و دانشمندان علوم تربیتی نیز توجه شده است. نتیجه مقاله شناخت تأکید فراوان دین مبین اسلام به مسأله تعلیم و تربیت است و دولت در کنار خانواده این وظیفه را بر عهده دارند.

کلید واژگان

آموزش فرزندان، مبانی قرآنی، مبانی روایی، تعلیم، تربیت، خانواده، دولت

۱. مقدمه

قطعاً آگاه ترین کس به نیازهای بشر، خداوند متعالی است که انسان را آفرید. خدا انسان را آفرید و برای او از جنس خودش همسر خلق کرد که هم به او انس بگیرد و آرامش یابد و هم صاحب فرزندانی شود که نسل انسان ادامه یابد. خود او در قرآن فرمود:

---

۱. طلبه سطح دو مدرسه علمیه الزهراء فامنین.

«وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجاً لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»[1]؛ و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودّت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکّر می‌کنند!

همچنین فرمود: «وَ اللهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجاً وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَ حَفَدَةً»[2]؛ خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌هایی به وجود آورد؛ و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد؛ آیا به باطل ایمان می‌آورند، و نعمت خدا را انکار می‌کنند؟!

هر چند انسان ها در مورد مسائل مهم با هم اختلاف دارند، اما خداوند دین را قرار داد تا این اختلافات از بین برود و اصلا یکی از رسالت‌های دین و ارسال رسل از ناحیه خداوند، حل همین اختلافات است. آنجا که فرمود: كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ ۚ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۖ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ ۗ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»[3]؛ مردم (در آغاز) یک دسته بودند؛ (و تضادی در میان آنها وجود نداشت. بتدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آنها پیدا شد، در این حال) خداوند، پیامبران را برانگیخت؛ تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می‌کرد، با آنها نازل نمود؛ تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. (افراد باایمان، در آن اختلاف نکردند؛) تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند، و نشانه‌های روشن به آنها رسیده بود، به خاطر انحراف از حق و ستمگری، در آن اختلاف کردند. خداوند، آنهایی را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش،

---

۱. سوره روم، آیه ۲۱.

۲. سوره نحل، آیه ۷۲.

۳. سوره بقره؛ آیه ۲۱۳.

رهبری نمود. (امّا افراد بی‌ایمان، همچنان در گمراهی و اختلاف، باقی ماندند.) و خدا، هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند.

در مورد تعلیم و تربیت فرزند نیز دانشمندان دنیا نظرات مختلفی ارائه کرده اند، اما ما به عنوان یک مسلمان باید از منابع دینی، یعنی قرآن و روایات برای شناخت نظریه حق ـ که همان نظریه خالق ماست ـ استفاده کنیم.

قبل از ورود به بحث، لازم است مقصود از مفاهیم به کار رفته در مقاله روشن شود. مفهوم مبانی قرآنی که همان آیات قرآن است و مقصود از مبانی روایی هم روایات معصومین (ع) است. تنها مفهومی که باید به تفصیل مورد بررسی قرار گیرد، مفهوم «تعلیم» است:

۱. ۱. مفهوم شناسی «تعلیم»

تعاریف ذیل برای «تعلیم» (آموزش) ذکر شده است:

۱. فراهم آوردن فرصت هایی برای اینکه یادگیرندگان یاد بگیرند.

۲. هرگونه فعالیت یا تدبیر از پیش طرح‌ریزی شده‌ای که هدف آن آسان‌کردن یادگیری در یادگیرندگان است. این تعریف شامل آموزش از طریق رادیو، تلویزیون، کتاب و ... می‌شود.

۳. مرتب و منظم کردن دقیق محیط فراگیر به منظور دستیابی به نتایج مورد نظر در وضعیت مشخص.

۴. روند حل مسئله با هدف تسهیل یادگیری فراگیر.

۵. آموزش وسیله‌ای برای پرورش است؛ یعنی آموزش در خدمت پرورش قرار دارد.[۱]

۶. با توجه به این که انسان در حکم واحدی غیر قابل تجزیه و تفکیک است که جنبه بدن و روان او از هم قابل تفکیک و تجزیه نیست و هر رفتاری از کل وجود او سر می‌زند؛ چون او یکی است نه بیشتر، لذا نمی‌توان بحث آموزش او را از پرورش او تفکیک کرد و یکی را بر دیگری مقدم دانست. با توجه به این توضیح و رفع شبهات دوگانگی در انسان، آموزش و پرورش در

---

[۱]. ر.ک: حسنی و همکاران، مقاله حق بر آموزش در اسناد بین‌الملل حقوق بشری، ص۳ـ ۱.

اصطلاح مترادف تلقی خواهند شد؛ لذا وقتی صحبت از آموزش و مفهوم آن می‌شود، منظور این است که مفهوم آموزش و پرورش روشن شود که معادل و مترادف با اصطلاح تعلیم و تربیت است، یعنی آموزش و پرورش، همان تعلیم و تربیت است.[1]

با توجه به اصطلاحات «یادگیری»، «پرورش» و جامعیت معنای «تربیت»»، به گونه‌ای که آموزش و پرورش جزو مبادی شناختی و رفتاری آن هستند و این مطلب مورد اتفاق اکثر منابع است،[2] تعاریف ذیل از این سه مفهوم نیز ارائه می شود.

یادگیری: کسب اطلاعات و اندیشه‌های تازه، عادت‌های مختلف، مهارت‌های متنوع و روش‌های مختلف حل مسئله. برخی دیگر نیز معتقدند: یادگیری به فرآیند ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یا توان رفتاری که حاصل تجربه است گفته می‌شود و نمی‌توان آن را به حالت‌های موقتی بدن، مانند آنچه بر اثر بیماری، خستگی، یا داروها پدید می‌آید نسبت داد.[3]

پرورش: به فرآیندی منظم و مستمر گفته می‌شود که هدف آن هدایت رشد جسمانی و روانی، یا به طور کلی هدایت رشد همه جانبه شخصیت پرورش‌یابندگان در جهت کسب دانش بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنان است. یک نظام پرورشی موفق هم فرد را در شکوفا ساختن استعدادهای ذاتی‌اش کمک می‌کند و هم او را به عنوان یک فرد آگاه از مسائل جهانی و متعهد به ارزش‌های جامعه‌ای که به آن وابسته است پرورش می‌دهد. هدف عمده مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه و دانشگاه پرورش‌دادن این گونه افراد است.[4]

---

[1]. شعاری نژاد، فلسفه آموزش و پرورش، ص۹۲.

[2]. جمعی از نویسندگان، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ص۱۴۶.

[3]. حسنی و همکاران، مقاله حق بر آموزش در اسناد بین‌الملل حقوق بشری، ص۳.

[4]. حسنی و همکاران، مقاله حق بر آموزش در اسناد بین‌الملل حقوق بشری، ص۳.

تربیت: عملی جامع و یکپارچه، تدریجی، هماهنگ، فراگیر و همیشگی و مشتمل بر تمام فرایندهای زمینه‌ساز تحول اختیاری و آگاهانه آدمی است، که به صورت امری واحد، با تکوین و تعالی پیوسته و یکپارچه تمام ابعاد فردی و اجتماعی وجود انسان، به منزله یک کل، سروکار دارد.[1]

۲. بررسی مبانی قرآنی و روایی تعلیم

از آنجا که مهمترین منابع شریعت اسلام، کتاب خدا (قرآن) و سنت (روایات معصومین ع) است، در این مقاله تلاش شده در دو بخش جداگانه مبانی قرآنی و مبانی روایی، نظریه اسلام را در مورد لزوم تعلیم فرزندان بررسی شود:

۲. ۱. مبانی قرآنی تعلیم فرزندان

لازم است به این نکته توجه شود که با توجه به مطالبی که در مقدمه در مورد مفهوم «تعلیم» مطرح شد، مشخص می‌شود که مقصود ما از تعلیم، اعم از «تعلیم» و «تربیت» است. لذا تمامی آیات و روایاتی که مطرح می کنیم، تربیت را نیز شامل می‌شود.

با این ملاحظه، در خصوص لزوم تعلیم در قرآن، می‌توان آیات را به سه دسته تقسیم کرد:

۲. ۱. ۱. دسته اول از آیات

دسته اول از آیات، آیاتی است که به طور مستقیم به اهمیت و فضیلت تعلیم و تربیت اشاره کرده است و آن را از اهداف بعثت خوانده است، مانند:

الف. «أَمَّنْ هُوَ قانِتٌ آناءَ اللَّيْلِ ساجِداً وَ قائِماً يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَ يَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذينَ لا يَعْلَمُونَ إِنَّما يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْباب»[2]؛ (آیا چنین کسی با ارزش است) یا کسی که در ساعات شب به عبادت مشغول است و در حال سجده و قیام، از عذاب آخرت می‌ترسد و به رحمت پروردگارش امیدوار است؟! بگو: «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟! تنها خردمندان متذکّر می‌شوند!»

---

[1]. جمعی از نویسندگان، مبانی نظری تحول بنیادین تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوی اسلامی ایران، ص۱۴۶.

[2]. زمر؛ آیه ۹.

بنابراین به نظر می‌رسد راه متعادل که نواقص هر دو نظریه را برطرف می‌کند، اتخاذ نظریه سوم است، که در آن دولت در کنار خانواده به صورت مشترک وظیفه آموزش فرزندان را بر عهده دارند. این نظریه مورد توجه اکثر اندیشمندان قرار گرفته است. اسناد بین‌المللی و کنوانسیون‌های حقوقی مرتبط با آموزش و پرورش نیز وظیفه آموزش و پرورش را حسب اهداف آن، مسئولیت مشترک دولت و والدین می‌دانند.[1]

در این اسناد مسئولیت اولیه و اصلی تربیت کودک بر عهده والدین گذاشته شده و دولت نقش تسهیل‌کننده، نظارت‌کننده و تکمیل‌کننده را دارد. به عنوان نمونه در بند ۳ ماده ۲۶ اعلامیه حقوق بشر، ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۲ پروتکل الحاقی به کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، بند الف و ب ماده ۷ اعلامیه اسلامی حقوق بشر اسلامی بر این مطلب تأکید شده است؛[2]چرا که این نظریه سبب جلوگیری از خودسری‌های هر یک از والدین و دولت در جهت تحمیل افکار و عقاید خود به کودکان می‌شود.[3]

در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران نیز از زمانی که آموزش و پرورش شکل دولتی به خود گرفته تاکنون کماکان آموزش و پرورش شکل دولتی خود را حفظ کرده است و مفاد دولت‌محور مقررات آموزشی ایران تا به امروز هیچ تغییری نکرده است، به خصوص در زمینه تعیین محتوا و برنامه آموزشی که توسط دولت انجام می‌گیرد و تنها نمود مشارکت مردم را می‌توان در انجمن‌های اولیا و مربیان دید.[4]

از نظر اسلام نیز اساساً دولت، ماهیت تربیتی دارد؛ برخلاف اندیشه‌های مدرن که دولت را مأمور تأمین‌کننده رفاه و آسایش مردم تلقی می‌کند و تعلیم و تربیت یکی از مؤلفه‌های مهم پیشرفت جامعه ملاحظه می‌شود و ذیل اهداف توسعه اقتصادی تعریف می‌گردد. در نگاه اسلامی

---

[1]. آقایی طوق، مقاله نقش دولت و والدین در آموزش و پرورش فرزندان، ص ۵.

[2]. علم‌الهدی، مقاله مناسبات تربیتی خانواده و دولت، ص ۱۰۲.

[3]. نبی‌لو، مقاله دولت، والدین و تعلیم و تربیت، ص ۲۵۵ ـ ۲۴۹.

[4]. آقایی طوق، مقاله نقش دولت و والدین در آموزش و پرورش فرزندان، ص ۸ ـ ۵.

دولت، همچون تشکیلات هدایت جامعه تلقی می‌شود و دغدغه اصلی آن هدایت جامعه به سوی سعادت ابدی است. بر همین اساس، دولت نسبت به سرپرستی امر تعلیم و تربیت از همگان سزاوارتر است.[1]

طبق نظریه سیاسی اسلام، دولت بنابر اصل خلافت الهی، از اقتدار و مرجعیت برخوردار است و قوانین و احکام آن مشروط به سازگاری با اصول شریعت، مشروع تلقی می‌شود و پیروی از آنها ضروری است. همچنین مأموریت اصلی دولت تأمین شرایط هدایت و دفع موانع آن می‌باشد و مرجعیت تربیتی و آموزشی دولت و دخالت مستقیم او در این حوزه نیز مشروع می‌باشد. از این رو، به نظر می‌رسد دولت در آموزش و پرورش بر خانواده نیز اولویت دارد و در هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا، ارزشیابی و اصلاح، مسئولیت اصلی بر عهده آن می‌باشد. همچنانکه در قرآن کریم نیز خداوند متعال به اهمیت آموزش و پرورش و تربیت در حکومت اسلامی اشاره می‌فرمایند و اساساً هدف نهایی در بعثت انبیاء به عنوان و پیشوای جامعه اسلامی را تزکیه و هدایت مؤمنین و تعلیم و تربیت آنها بیان می‌فرماید.[2] ولی اصل امر به معروف مانع از انحصار دولتی آموزش و پرورش می‌شود. طبق این اصل، تمام افراد جامعه به خصوص عالمان دینی، متخصصان و اهل نظر، مصلحان اجتماعی و.... لازم است نسبت به موضوع آموزش و پرورش حساس باشند و به فراخور در آن مشارکت داسته باشند. البته مسئولیت خانواده در این مورد بسیار اساسی است؛ زیرا خانواده به طور مستقیم مورد خطاب آیه ۶ سوره تحریم واقع شده است و باید در بارگاه الهی نسبت به تربیت فرزندان خود پاسخگو باشند و فارغ از این که ماهیت دولت، اسلامی باشد یا نه، اهتمام داشته باشد یا نه، لازم است به اقدامات مناسب تربیتی دست بزنند. همچنین خانواده نمی‌تواند نسبت به اهداف، برنامه‌ها و اقدامات تربیتی و آموزشی صورت گرفته توسط دولت بی-توجه باشد؛ بلکه والدین همچون عموم مردم و بلکه بیش از آنها لازم است بر عملکرد دولت در زمینه آموزش و پرورش نظارت کند. بنابراین دولت موظف است در مواردی همچون تدوین

---

[1]. علم‌الهدی، مقاله مناسبات تربیتی خانواده و دولت، ص ۱۰۵.

[2]. جمعه؛ آیه۲.

مقررات آموزشی، تعیین رشته‌ها و محتوای هر رشته آموزشی، سرفصل دروس، تعیین منابع آموزشی و کمک‌آموزشی، تأمین هزینه‌های آموزشی و نحوه مصرف اعتبارات آموزشی، مشارکت مادی و معنوی والدین را جلب نماید.

بدین ترتیب پیروی والدین از برنامه‌های آموزشی و تربیتی رسمی دولتی در مدرسه مشروط است؛ اگر دولت به شرایط و لوازم اسلامی بودن پایبند باشد و تکلیف آموزشی خود را به انجام رساند، والدین موظفند از برنامه‌های تربیتی و آموزشی دولت حمایت نموده، به طور کامل تبعیت کنند؛ ولی در غیر این صورت آنها نمی‌توانند نسبت به جبران کمبودهای برنامه آموزشی دولت در مدارس به خصوص در بخش اخلاقی و دینی سهل‌انگاری نمایند. همچنین دولت می‌تواند خانواده را با کمک ابزارهای قانونی به انجام تکلیف تربیتی خود در برابر فرزندانش وادار نماید. ضرورت نظارت خانواده بر عملکرد آموزشی و تربیتی دولت به منظور اصلاح یا جبران آن، حضور تشکیلات مدنی واسطه را ضروری می‌نماید. این نوع تشکیلات مدنی که هم عملکرد آموزشی دولت را مورد بررسی قرار می‌دهند و هم به خانواده در جهت ایفای نقش تربیتی خود کمک می‌کنند، متشکل از افراد متخصص در تعلیم و تربیت و کارشناس در امور دینی و علمی، همچنین افراد ثروتمند خیّر و نوع‌دوست، گروه‌های غیردولتی، انجمن‌های رفاهی و... می‌باشد.

تشکیلات مدنی همچنین به خانواده در انجام وظایف نظارتی خود نیز کمک می‌رساند. البته رویکرد انتقادی نسبت به برنامه‌های آموزشی دولت لازم است بر ملاک‌های علمی و دقیق استوار باشد. همچنین خانواده می‌تواند با کمک همین تشکیلات مدنی، کمبود برنامه‌های آموزشی دولت را جبران نماید. بدون شک نقش واسطه‌ای این تشکیلات در پیشگیری از فروافتادن به ورطه جزمیت‌گرایی و نسبیت‌گرایی یا استبداد دولتی و پلورالیسم مردمی بسیار اهمیت دارد.[1]

---

[1]. علم‌الهدی، مقاله مناسبات تربیتی خانواده و دولت، ص ۱۱۵ ـ ۱۰۵.

۴. نتیجه

پس از بررسی آیات و روایاتی که درباره تعلیم و تربیت مطرح شده، ضرورت و اهمیت آن در این مقاله روشن شد و مشخص گردید دین مبین اسلام بر مسأله تعلیم و تربیت تأکید فراوان دارد و اصلا هدف از فرستادن پیامبران تعلیم و تربیت بشر بوده است. این آیات و روایات تنها منحصر در آیات و روایات صریح نبوده، بلکه هر کدام در چند دسته بر این مدعا دلالت داشتند.

افزون بر این، در بخش پایانی مقاله، سه نظریه در مورد متولی تعلیم بیان گردید که نتیجه بررسی نظریات این شد که نظریه سوم که نظریه وظیفه مشترک است، نظریه صحیح تری است. طبق این نظریه هم خانواده و هم دولت در کنار همدیگر وظیفه تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان را بر عهده دارند.

۵. فهرست منابع:

کتب:

* قرآن کریم

۱. ارسطو، سیاست، (ترجمه حمید عنایتی)، شرکت سهامی کتابهای جیبی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۹ش.

۲. افلاطون، جمهوری، ترجمه محمد حسن لطفی، چاپخانه خوشه، تهران، ۱۳۵۳ش.

۳. انصاری، قدرت الله، احکام و حقوق کودکان در اسلام، مرکز فقهی ائمه اطهار، قم، ۱۳۹۲ش.

۴. جمعی از نویسندگان، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی انقلاب فرهنگی ، تهران، ۱۳۹۰ش.

۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، مؤسسه آل البیت ع، قم، ۱۴۰۹ ق.

۶. حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی، حقوق تربیتی کودک در اسلام، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۱ ش.

۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان في تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، پنجم، ۱۴۱۷ ق.

۸. طوسی، محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، به کوشش احمد حبیب العاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.

۹. فاضل لنکرانی، محمد جواد، موسوعه أحکام الأطفال و أدلتها، جلد ۳، مرکز فقه الأئمة الأطهار علیهم السلام ، قم ، ۱۴۲۸ق، ۱۳۸۶ش.

۱۰. مجلسی، محمّدباقر بن محمّدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (علیهم السلام)، مؤسسة الطبع و النشر، بیروت، ۱۴۱۰ ق.

۱۱. محدث نوری، میرزا حسین، مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسة آل البیت ع، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۷۴ ش.

مقالات:

۱۳. آقایی طوق، مسلم، مقاله نقش دولت و والدین در آموزش و پرورش فرزندان، اولین کنگره ملی توانمندسازی جامعه در حوزه جامعه‌شناسی علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی و فرهنگی (منتشر نشده)

۱۴. حسنی، علیرضا و باقری، علی، حق بر آموزش در اسناد بین الملل حقوق بشری، اولین کنفرانس بین الملل علوم انسانی با رویکرد بومی ـ اسلامی و با تاکید بر پژوهش های نوین، سال ۱، اسفند ۱۳۹۴ش

۱۵. علم‌الهدی، جمیله، مقاله مناسبات تربیتی خانواده و دولت، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال پنجم، ش ۱۷.

۱۶. نبی‌لو، حسین، مقاله دولت، والدین و تعلیم و تربیت، نشریه حقوق اساسی، سال چهارم، ش۸، تابستان ۱۳۸۶ش.